

دلائل ایمان ابوطالب

<?xml encoding="UTF-8">

طرز تفکر و عقیده هر شخص را از سه راه یاد شده در زیر می توان به دست آورد:

1- بررسی آثار علمی و ادبی که از او به یادگار مانده است.

2- طرز رفتار و کردار او در میان جامعه.

3- عقیده دوست و نزدیکان بی غرض او در حق وی.

ما می توانیم عقیده و ایمان ابوطالب را از سه راه یاد شده اثبات کنیم.

اشعار و سرودهای وی، کاملاً گواهی بر ایمان و اخلاص او می دهد. همچنین، خدمات ارزشمند او در ده سال آخر عمر خود، گواهی محکمی بر ایمان فوق العاده او است. عقیده نزدیکان بی غرض وی نیز این است که او یک فرد مسلمان و با ایمان بوده است و هرگز کسی از دوستان و اقوام او در حق وی جز تصدیق اخلاص و ایمان او چیزی نگفته است. اینک موضوع را از سه طریق یاد شده مورد بررسی قرار می دهیم:

ذخائر علمی و ادبی ابوطالب ما از میان قصائد طولانی وی، قطعاتی چند انتخاب نموده و برای روشن شدن مطلب ترجمه آنها را نیز می نگاریم:

لیعلم خيار الناس ان محمدا نبي كموسي و المسيح بن مريم اتانا بهدي مثل ما اتياه فكل بامر الله يهدي و يعصم(1)

"اشخاص شریف و فهمیده بدانند که، محمد بسان موسی و مسیح پیامبر است؛ همان نور آسمانی را که آن دو نفر در اختیار داشتند او نیز دارد. و تمام پیامبران به فرمان خداوند مردم را راهنمایی و از گناه باز می دارند." تمییم ان تقتلوه و انما امانیکم هذي کاحلام نائم نبي اتاه الوحي من عند ربه و من قال لا بقرع بها سن نادم(2) "سران قریش! تصور کرده اید که می توانید بر او دست بیابید در صورتی که: آرزوی را در سر می پرورانید؛ که کمتر از خوابهای آشفته نیست! او پیامبر است، وحی از ناحیه خدا بر او نازل می گردد و کسی که بگوید نه؛ انگشت پشیمانی به دندان خواهد گرفت.

الم تعلموا انا وجدنا محمدا رسولا كموسي خط في اول الكتب و ان عليه في العباد محبة ولا حيف فيمن خصه الله بالحب(3)

"قریش! آیا نمی دانید که ما او (محمد) را مانند موسی پیامبر یافته ایم و نام و نشان او در کتابهای آسمانی قید گردیده است، و بندگان خدا محبت مخصوصی به وی دارند، و نباید درباره کسی که خدا محبت او را در دلهایی به ودیعت گذارده ستم کرد."

والله لن يصلوا اليك بجمعهم حتي اوسد في التراب دفينا فاصدع بامرک ما عليك غضاضة و ابشر بذلك و قرمنک عیونا و دعوتني و علمت انک ناصحي و لقد دعوت و كنت ثم امینا و لقد علمت ان دین محمد(ص) من خیر ادیان البرية دنیا(4)

"برادرزاده ام! هرگز قریش به تو دست نخواهند یافت و تا آن روزی که لحد را بستر کنم، و در میان خاک بخوابم؛ دست از یاری تو بر نخواهم داشت، به آنچه ماموری آشکار کن، از هیچ مترس و بشارت ده و چشمانی را روشن ساز. مرا به آئین خود خواندی و می دانم تو پندده من هستی و در دعوت خود امین و درستکاری، حقا که کیش محمد" از بهترین آئینهاست."

او تومنوا بکتاب منزل عجب علي نبي کموسي او کذي النون

"يا اينکه ايمان به قرآن سراپا شگفتي بياوريد که بر پيامبر مانند موسي و يونس نازل گرديده است." (5)

هر یک از اين قطعات، قسمت کوچکی از قصائد منفصل و سراپا نغز ابوطالب است، که ما به عنوان گواه، برجسته هاي آنها را، که صريحا ايمان او را به کيش برادرزاده اش مي رساند انتخاب نموديم.

خلاصه سخن: هر یک از اين اشعار در اثبات ايمان و اخلاص گوينده آنها کافي است و اگر گوينده اين ابیات یک فرد خارج از محيط اغراض و تعصبات بود، همگي بالاتفاق به ايمان و اسلام سراينده آن حکم مي کرديم. ولي از آنجا که سازنده آنها "ابوطالب" است، و دستگاه تبليغاتي سازمانهاي سياسي اموي و عباسي پيوسته بر ضد آل ابوطالب کار مي کرد؛ از اين نظر گروهی نخواسته اند یک چنين فضيلت و مزيتي را براي ابوطالب اثبات کنند. از طرفي وي، پدر علي است که دستگاههاي تبليغي خلفاء بر ضد او پيوسته تبليغ مي کردند؛ زيرا اسلام و ايمان پدر وي، فضيلت بارزي درباره او حساب مي شد. در حالي که کفر و شرک پدران خلفاء، موجب کسر شان آنها بود. به هر حال، عليرغم تمام اين سروده ها و گفتارها و کردارهاي صادقانه؛ گروهی به تکفير وي برخاسته؛ حتي به آن اکتفا نکرده و ادعا کرده اند که آياتي درباره ابوطالب که حاوي از کفر او است، نازل شده است.

راه دوم براي اثبات ايمان او

راه دوم، طرز رفتار او با پيامبر، و نحوه فداکاري و دفاع او از ساحت اقدس پيامبر است و هر کدام از آن خدمات مي تواند، آينه فکر و روشنگر روحيات او باشد، زيرا:

ابوطالب شخصيتي است که، راضي نشد برادرزاده او دلشکسته شود، و عليرغم تمام موانع و نبود امکانات زحمت بردن او را به شام همراه خود، پذيرفت.

پايه اعتقاد او به فرزند برادر، تا آن پايه است که او را همراه خود به مصلي برده و خدا را به مقام او قسم داد و باران رحمت طلبيد.

وي در راه حفظ پيامبر از پاي ننشست و سه سال دربردي و زندگي در شکاف کوه و اعماق دره را، بر رياست و سيادت مکه، ترجيح داد؛ تا آنجا که اين آوارگي سه ساله، او را فرسوده ساخت و مزاج خود را از دست داد و چند روز پس از نقض محاصره اقتصادي که به خانه و زندگي برگشت بدرد زندگي گفت.

ايمان او به رسول خدا به قدری قرص و محکم بود، که راضي بود تمام فرزندان گرامي وي کشته شوند ولي او زنده بماند. علي را در رختخواب وي مي خوابانيد، تا اگر سوء قصدي در کار باشد به وي اصابت نکند. بالاتر از آن، روزي حاضر شد، تمام سران قریش به عنوان انتقام کشته شوند، و طبعاً تمام قبیله بني هاشم نیز کشته مي شدند. وصيت ابوطالب هنگام مرگ وي هنگام مرگ به فرزندان خود چنين گفت: من "محمد" را به شما توصيه مي کنم. زيرا او امين قریش و راستگوي عرب، و حائز تمام کمالات است. آئيني آورده که دلها بدان ايمان آورده، اما زبانه از ترس شماتت به انکار آن برخاسته است. من اکنون مي بينم که افتادگان و ضعيفان عرب، به حمايت از او

برخاسته، و به او ايمان آورده اند؛ و محمد به کمک آنها بر شکستن صفوف قریش قيام نموده است. سران قریش را خوار، خانه هاي آنان را ويران، و بي پناهان آنها را قوي و نيرومند و مصدر کار نموده است. سپس گفتار خود را با جمله هاي زیر پايان داد: اي خويشاوندان من، از دوستان و حاميان حزب او (اسلام) گرديد. هر کسي پيروي او را

نمايد؛ سعادت مند مي گردد هرگاه اجل مرا مهلت مي داد، من از او حوادث و مکاره روزگار را دفع مي نمودم. (6)

ما شک نداريم که وي در اين آروز راستگو بوده؛ زيرا خدمات و جانفشانيهاي ده ساله او گواه صدق گفتار او است. چنانکه گواه صدق، وعده ايست که وي در آغاز بعثت به محمد "ص" داد؛ زيرا روزي که پيامبر "ص"، تمام اعمام و

- خویشاوندان خود را دور خود جمع کرد و آیین اسلام را به آنها معروض داشت، ابوطالب به او گفت: برادرزاده ام قیام کن، تو والا مقامی، حزب تو از گرامیترین حزبهاست، تو فرزند مرد بزرگی هستی، هرگاه زبانی تو را آزار دهد، زبانهای تیزی به دفاع تو برخیزد و شمشیرهای برنده ای آنها را می رباید. به خدا سوگند، اعراب، مانند خضوع کودک نسبت به مادرش، در پیشگاه تو خاضع خواهند شد. (7)
- آخرین راه خوبست ایمان و اخلاص ابوطالب را از نزدیکان بی غرض او بپرسیم. زیرا اهل خانه به درون خانه و آنچه در آن می گذرد داناترند. (8)
- 1- وقتی علی خبر مرگ ابوطالب را به پیامبر داد؛ وی سخت گریست و به علی دستور غسل و کفن و دفن را صادر نمود، و از خدا برای او طلب مغفرت نمود. (9)
- 2- در محضر امام چهارم سخن از ایمان ابوطالب به میان آمد. وی فرمود: در شگفتم که چرا مردم در اخلاص او تردید دارند؛ در صورتی که، هیچ زن مسلمانی نباید بعد از گزینش اسلام در حباله شوهر کافر خود بماند، و فاطمه بنت اسد، از سابقات در اسلام است و از آن زنانی است که خیلی جلوتر به پیامبر ایمان آورد و همین زن مسلمان در نکاح ابوطالب بود تا روزی که وی رخ در نقاب خاک کشید.
- 3- امام باقر می فرماید: ایمان ابوطالب بر ایمان بسیاری از مردم ترجیح دارد و امیرالمؤمنان دستور می داد از طرف وی حج بجا آورند. (10)
- پی نوشتها: (1) "مجمع البیان" ج 7/37 و "الحجة" 57 و "مستدرک حاکم" ج 2/623.
- (2) "دیوان ابوطالب" 32 و "سیره ابن هشام" ج 1/373.
- (3) "دیوان ابوطالب" 32 و "سیره ابن هشام" ج 1/373.
- (4) "تاریخ ابن کثیر" ج 2 / 42.
- (5) "ابن ابی الحدید" ج 14 / 74؛ "دیوان ابوطالب" 173.
- (6) کونوا له ولاة و لحزبه حماة، واللّٰه لا یسلک احد سبیلہ الا رشد و لا یأخذ رشد و لا یأخذ احد بهداه الا سعد، و لوکان لنفسي مدة و فی احلي تاخیر لكففت عنه الهزاهز، و لدافعت عنه الدوافع: "سیره حلبی" ج 1 / 390 "تاریخ الخمیس" ج 1 / 339.
- (7) اخرج ابن اخي فانك الرفيع كعبا، و المنيع حزبا و الا علي ابا، و اللّٰه لا یسلک لسان الاسلقة السن حداد، و اجتذبه سیوف حداد، و اللّٰه لتذلن لك العرب ذل البهم لحاضنها - "الطرائف"، تالیف سید ابن طاووس / 85، نقل از کتاب "غایت السؤل فی مناقب آل رسول"، نگارش ابراهیم بن علی دینوری.
- (8) اهل البيت ادري بما البيت.
- (9) "شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 14 / 76.
- (10) "شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 14 / 68.
- فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام ص 162